

خانواده

به سبک ساخت یک جلسه یکپارچه در محضر مقام معظم رهبری

www.ketab.ir

صهبا

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: خانواده به سبک ساخت یک جلسه یکپارچه
در محضر مقام معظم رهبری / گردآوری و تنظیم: مرکز سهیلا.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهانی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۵-۲۹-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع، خامنه‌ای، سید علی، رهبر
جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸- پیام‌ها و سخنرانی‌ها - نظریه درباره
خانواده - اسلام و خانواده - زبان‌شناسی (اسلام) شناسه افزوده: مؤسسه
جهانی، رده‌بندی کنگره، ۲۰۱۳۹۲ ع ۲ ع ۱۹۲ DSR رده‌بندی
دیویی، ۸۴۴-۰۵۵۱ شماره کتاب‌شناسی ملی، ۳۱۸۴۴۲۹

www.ketab.ir

خانواده

به سبک ساخت یک جلسه یکپارچه در محضر مقام معظم رهبری
گردآوری و تنظیم: صهبا
طراح نشان: استاد مسعود نجابتی
چاپ اول: تیر ۱۳۹۲
مجموع شمارگان: ۲۹۶,۰۰۰ نسخه
چاپ سی و دوم: مرداد ۱۴۰۳، ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۵-۲۹-۱
قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال



انتشارات مؤسسه
ایمان جهادی
۰۲۵-۳۳۵۵۱۲۱۲
۰۹۱۰-۲۱۱۵۷۷۶
info@sahba.ir



آشنایی با دیگر
محصولات در
sahba.ir

سامانه پیامکی
ارسال نام کتاب به
۳۰۰۰۷۲۲۵۵

مقام معظم رهبری در بیان امری بقرار دارند که واجد دو شأن حکمرانی بر امور کشور و حکمرانی بر قلوب و دل هاست. مهم‌ترین اول که گره‌ها را از امور جاری باز می‌کند و مانع از ایجاد بن‌بست در نظام می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. اما ایشان به‌عنوان یک عالم و متفکر اسلامی که علم خود را وقف رشد و به‌سعادتی ساختن مردم کرده‌اند، شأن دیگری دارند که همان هدایت قلوب، حکمرانی بر دل‌ها و جذب جان‌ها به سوی کمال و ایجاد فضای مناسب برای رشد فضائل انسانی در جامعه و «پدر» بودن برای یکایک فرزندان این مرز و بوم است. پدري که دغدغه مشکلات و دردهای فرزندان را دارد.

مشکلات فرهنگی امروز نیازمند طبیبی حاذق است که «دَوَا بُطَبِّه» سراغ بیمارها و ضعفا رود. امروز این طبیب حاذق موجود است، باید به «دَوَا بُطَبِّه» بودن او کمک کرد. یکی از دغدغه‌های مهم آقا، دغدغه ایشان بر متن زندگی مردم است که آن را تحت عنوان «سبک زندگی» بیان فرموده‌اند و مرحله‌به‌مرحله، مسائل آن را شکافته‌اند. اولین

۱. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به طبیبی تشبیه می‌کنند که با طب خود، سخت به دنبال بیمارهای روحی می‌گردد.

عنوانی هم که ذیل مبحث سبک زندگی طرح می‌کنند، موضوع «خانواده» است. این دغدغه اساسی، صهبا را بر آن داشت تا از بیانات معظم‌له کاری در این زمینه فراهم آورد که نیازهای دوره‌های مختلف زندگی خانوادگی را برآورده سازد. تحقیقات و جمع‌آوری‌ها شروع شد. مطالب از دو منظر، خیلی چشم‌گیر و جذاب بود: اول، نوع نگاه ایشان به زن و نقش او در خانواده و دوم، ارائه دادن الگوی جامع خانواده اسلامی برای جوامع بشری.

در بین اسناد، به پدیده جذاب و استثنایی جلسات خطبه‌خوانی عقد، توسط آقا بر خوردیم. فضایی بسیار صمیمی بر این جلسات حاکم است که نشان از علاقه ایشان به ازدواج جوانان دارد. حضرت آقا در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی در دانشگاه شیراز، در زمان ریاست جمهوری می‌فرمایند: «من در تهران خودم، هر هفته عقد می‌خوانم، یکی از کارهایی که از رسوم آخوندی و سنت‌های آخوندی همچنان حفظ کرده‌ام، یکی این است؛ عقد را می‌خوانم. دوست می‌دارم که عقد بخوانم برای افراد...» البته طبیعتاً در دوران بابرکت رهبری، تعداد جلسات روندی نزولی داشته، ولی همچنان این سنت حسنه را تداوم بخشیده‌اند.

آقا از طرف عروس خانم‌ها و کیل می‌شوند و وکالت داماد را به روی دیگری می‌سپرنند. اما قبل از خواندن صیغه عقد، دقایقی برای خانواده‌ها و زوج‌های جوان صحبت می‌کنند؛ با بیانی چنان گرم و گیرا و روان و قابل فهم که لبخند رضایتی حاکی از به دل نشستن را بر لبان حاضران می‌نشانند. ایشان ضرورت‌ها و نیازهای انسان عصر فعلی را به خوبی درک می‌کنند. چراکه ارتباط بسیار نزدیکی که با مردم و بدنه جامعه دارند، باعث می‌شود کاملاً از موقعیت امروزی خانواده‌ها آگاه باشند، مشکلات را بشناسند و راهکارهایی کاملاً سازگار با شرایط و موقعیت‌های روز ارائه دهند.

ایشان همچنین به عنوان یک جامعه‌شناس تمام عیار، خانواده را به چشم هسته اصلی و سلول بنیادینی که بافت‌های جامعه را ایجاد می‌کند، نگاه کرده و به رسالت اجتماعی این

نهاد، در راستای هدف نهایی تشکیل تمدن اسلامی توجه دارند: «هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی...» (۱۳۹۱/۲۲).

نکته دیگر آنکه امروز دنیا اسیر سلطه تبلیغاتی فرهنگ غرب است و هر کس که نسخه‌ای برای حل مشکلات انسان‌ها ارائه می‌دهد، باید ضعف‌های فرهنگ غرب را بشناسد و اول، پادزهر آن را ارائه کند. آقا بر این فرهنگ و پایه‌ها و درون‌مایه آن کاملاً واقفند و در کنار دیدن نقاط قوت این فرهنگ، سعی در تکمیل کاملی نسبت به یکی از عمده‌ترین انحرافات آن، یعنی فاصله گرفتن از نگاه صحیح به مسئله خانواده و زن دارند. لذا تأکید فراوانی روی زن و نقش او در خانواده داشته و مکرر فرموده‌اند که در موضوع زن، علی‌گام فرهنگ غرب هستیم. و اما مهم‌ترین نکته اینکه آقا یک همسر و یک پدر تمام عیار هستند. اولین عمل‌کننده به توصیه‌ها و مؤکداتی که در زمینه خانواده دارند، خودشان هستند. روش ایشان در برخورد با والدین، همسر، فرزندان، عروس‌ها و دامادها و نوه‌ها و در کل زندگی خانوادگی، در اوج قله‌ای قرار گرفته که ایشان را در این زمینه به الگوی نیکویی برای مردم تبدیل کرده است. اگر به سیره زندگی ایشان دسترسی وجود داشت، قطعاً نور آن تمام جامعه را روشن می‌کرد.

ایشان در بحبوحه مبارزات انقلابی ازدواج می‌کنند و ثانیه ثانیه‌های زندگی جهادی‌شان گواهی‌ست بر این مطلب که انقلاب و نهضت احیای اسلام در ایران، از کانون خانواده‌ها، این سلول‌های بنیادین بافت اجتماع، آغاز شد؛ با مبارزه مردانی بصیر که توسط زنانی صبور و بااستقامت تحریض و تشویق می‌شدند.

در ادامه، بخش‌هایی از دو مصاحبه منتشر شده از همسر مکرمه ایشان - سرکار خانم خجسته - را مرور می‌کنیم. مصاحبه‌ها به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۲ است:

«خاطره‌ای دارم از آخر سال ۵۶ که هرگز فراموش نمی‌کنم. این آخرین دفعه‌ای بود که ایشان دستگیر شدند. از ساعت ۷ شب منزل ما را محاصره کرده بودند. آقای خامنه‌ای منزل نبودند. ساعت ۱۲ بود آمدند منزل، ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب مأمورین ساواک در خانه را زدند. ایشان بیدار شدند، رفتند دم در منزل و تا در را باز کردند مأمورین و ساواکی‌ها اسلحه‌هایشان را از لای در به داخل آوردند و ایشان را تهدید کردند، که ایشان مقاومت کردند و در را بستند. من خواب بودم. از صدای شکستن شیشه‌های در و فریاد ساواکی‌ها که می‌گفتند: تسلیم، آتش می‌کنیم؛ بیدار شدم. دیدم مصطفی توی رختخوابش نشسته و بی‌حال به حشمت‌زدگی می‌گوید: مامان، بابام را کشتن. آن وقت من متوجه شدم قضیه چیست. از پشت شیشه در دیدم مأمورین دست‌های ایشان را دست‌بند زده‌اند و چند نفری دارند ایشان را کتک می‌زنند و ایشان هم در همان حال از خودشان دفاع می‌کردند. من زود چادرم را سرم کردم. هموری وارد هال که ما در آن خوابیده بودیم شد و اسلحه‌اش را روی سر من گرفت و اجازه نمی‌داد حرکت کنم. در همان حال برادرم که آن شب منزل ما بود از خواب پریده بود و دوید داخل هال و گفت چه خبر شده؟ من گفتم: خبری نیست، کارهای همیشگی‌شان است. مأمور از حرف من عصبانی شده بود. می‌ثم توی گهواره گریه می‌کرد. قدری گذشت. پا شدم رفتم توی آشپزخانه و بعد رفتم توی اتاق کتابخانه که ایشان و مأمورین آنجا بودند. آنها مشغول گشتن کتاب‌ها بودند. با چند مرتبه رفت‌وآمد یواشکی، کاغذ و نوشته‌هایی را که ایشان خیلی روی آنها زحمت کشیده بودند از اتاق بیرون آوردم. اذان صبح شد، ایشان خواستند نماز بخوانند، با مراقبت مأمورین وضو گرفتند و نماز خواندند. بعد آماده

شدند برای رفتن. من بقیه بچه‌ها را که خواب بودند بیدار کردم و برای اینکه خیلی ناراحت نشوند، گفتم بابا می‌خواهد به مسافرت برود. ولی وقتی بچه‌ها ساواکی‌ها را با آن اسلحه‌هایشان دیدند، قضیه را فهمیدند. آقای خامنه‌ای خداحافظی کردند و با مأمورین رفتند. وقتی که هوا روشن‌تر شد، دیدم روی زمین خون ریخته؛ نفهمیدم چه شده تا اینکه بعد از ظهر همان روز از ژاندارمری تلفن کردند که ایشان را می‌خواهند ببرند. اگر مایلید ایشان را ببینید، هر چه زودتر به آنجا بیایید. با بچه‌ها به همراه یکی از دوستان ایشان به ژاندارمری رفتیم. ایشان را ملاقات کردیم و آنجا من فهمیدم که بر اثر کتک مزدوران ساواک پای ایشان زخمی شده است.

روز بعد دوباره به همین ترتیب به ملاقات رفتیم و گفتند: من به سه سال تبعید در ایرانشهر محکوم شده‌ام. یعنی بعد از اینکه مدتی از محکومیت خود را در ایرانشهر گذراندند، به جیرفت کرمان منتقل شدند که بعد از چندی به علت انقلاب اسلامی ایران، به مشهد آمدند و مابقی محکومیت خود به خود منتفی شد.»

«من در سال ۱۳۴۳ با ایشان ازدواج کردم، البته این ازدواج همان‌طور که در خانواده مذهبی آن زمان مرسوم بود، صورت گرفت. به این ترتیب که مادر ایشان برای خواستگاری به منزل ما آمدند و بعد از مباحثات معمول، مراسم ازدواج انجام شد. ما چهار پسر و دو دختر داریم. همه پسرانمان قبل از انقلاب و دخترانمان بعد از انقلاب به دنیا آمدند.

آن زمان [قبل از انقلاب] دوران مشقت‌باری بود و امتحان الهی بود و من خودم را برای تمام مشکلات ممکن آماده کرده بودم و هرگز درباره هیچ چیز لب به شکوه نگشودم. یادم می‌آید که طی اولین ماه‌های بعد از ازدواجمان، یک روز همسرم از من پرسید: اگر من دستگیر شوم تو چه احساسی خواهی داشت؟ این سؤال غیرمنتظره‌ای بود و

من ابتدا خیلی ناراحت و آزرده‌خاطر شدم، اما ایشان آن قدر درباره‌ی درگیری، خطرات و مشکلاتش و وظیفه‌ی همه‌ی افراد در این رابطه صحبت فرمودند که کاملاً مرا قانع کردند. ایشان این مطلب را درست همان روزی که امام خمینی قدس سره شریف دوباره بازداشت شدند و ایشان را از قم به تهران آورده و سپس به ترکیه تبعید کردند، مطرح نمود. در آن روز آقای خامنه‌ای و دیگران در مشهد برای نشان دادن مخالفتشان با این امر آماده شده بودند و در همین زمان بود که از من در برخورد با مسئله‌ی دستگیری‌شان سؤال کردند. از همان روز من خودم را از لحاظ فکری آماده‌ی رویارویی با خطراتی که در راه مبارزات همسرم پیش خواهد آمد، نمودم. بنابراین، هر وقت ایشان زندانی یا تبعید می‌شدند یا هنگامی که مجبور بودند پنهانی و مخفی فعالیت نمایند، تمامی مشکلات را با راحتی تحمل می‌کردم. به هر حال که ما فرزندان بیشتری داشتیم، زندگی گاهی اوقات مشکل‌تر می‌شد، که البته خداوند همیشه مرا یاری می‌نمود و هرگز ناامید نشدم.

فکر می‌کنم بزرگ‌ترین نقش من حفظ جو آرامش خانه بود. طوری که ایشان بتوانند با خیال راحت به کارشان ادامه دهند. من سعی داشتم تا ایشان را از نگرانی در مورد خود و فرزندانم دور نگه دارم. گاهی اوقات که برای ملاقات ایشان به زندان می‌رفتم از مشکلاتی که داشتیم چیزی به ایشان نمی‌گفتم و در پاسخ به سوالاتشان درباره‌ی وضعیت خودم و فرزندان، صرفاً خبرهای خوب می‌دادم. برای مثال، طی ملاقات‌هایی که با ایشان در زندان داشتم یا در نامه‌هایی که در دوران تبعید برای ایشان می‌نوشتم، هرگز چیزی در مورد بیماری فرزندان نمی‌گفتم و نمی‌نوشتم.

البته من نیز در زمینه‌های مختلف، نظیر پخش اعلامیه‌ها، حمل پیام‌ها، اختفای اسناد و نظیر آن فعالیت داشتم. ولی فکر می‌کنم اصلاً قابل ذکر نیستند. ایشان که در آخرین ماه‌های مبارزه در رابطه با پیام‌های تلفنی امام خمینی قدس سره شریف از پاریس کار می‌کرد،

من آنها را برای تکثیر و توزیع به مراکزی در مشهد و دیگر شهرها ارسال می‌نمودم و اخبار را از مشهد و دیگر شهرهای خراسان جمع‌آوری نموده و به پاریس مخابره می‌کردم. اما فکر می‌کنم مهم‌ترین کار زنان مبارز و آزاده آن زمان، پشتیبانی معنوی، همدردی و رازداری و تحمل مشقات بود.

[در مورد کمک کردن ایشان در خانه] در حال حاضر، نه ایشان چنین فرصتی دارند و نه از ایشان چنین انتظاری داریم. اما یک خصیصه بسیار پسنديده‌ای که ایشان دارند و می‌تواند نمونه و سرمشقی برای دیگران باشد این است که زمانی که ایشان در منزل هستند، اگرچه معمولاً خسته از کار روزانه می‌باشند، اما سعی دارند تا جو خانه را از مشکلات محیط کارشان به دور نگاه دارند.

[بنده] به‌عنوان یک زن مسلمان در جمهوری اسلامی ایران، نظیر تمامی خواهران مسلمان دیگر، وظایفی بر عهده دارم و با تمام توانم آنها را انجام می‌دهم، اما هیچ مسئولیت رسمی به‌خصوصی ندارم.

سال‌هاست که ما اشیای تجملاتی را به خانه‌مان راه نداده‌ایم. زیبایی خوب است، اما نباید خودمان را درگیر زندگی تجملاتی بکنیم. ما در خانه‌مان دکوراسیون به معنای متداول آن، فرش‌ها و پرده‌های قیمتی، مبلمان و غیره نداریم. سال‌ها پیش خودمان را از این چیزها رها کرده‌ایم. والدین آقای خامنه‌ای در این رابطه سرمشق ما بوده‌اند و مادر ایشان چنین تجملاتی را مورد انتقاد قرار می‌دادند و من نیز همین عقیده را دارم. همیشه به فرزندانمان توصیه می‌کنم که آنها هم باید در رفتار شخصی‌شان این‌گونه باشند. زیرا اشیای لوکس غیر ضروری است.»

این توفیق را یافته‌ایم که پای بحث یک اسلام‌شناس، قرآن‌شناس، جامعه‌شناس، غرب‌شناس و البته یک عالم عامل بنشینیم و برایمان از خانواده بگوئید: از فلسفه و اهمیت ازدواج، از تفاوت

نظر اسلام و غرب دربارهٔ ازدواج، تفاوت‌های مرد و زن، جایگاه مرد و زن در خانواده و... بحث‌هایی که همچون دانه‌های تسبیح کنار هم قرار می‌گیرند و ارتباط آنها با نخ تسبیح که همان مسئلهٔ مهم خانواده است، معلوم می‌شود. در واقع هم به موضوع خانواده پرداخته شده و هم به موضوع زن، نقش زن در خانواده، هم از دیدگاه نقد نظر غرب و هم از دیدگاه طرح نظر اسلام عنوان شده است.

این موضوعات همچون یک رمان محتوایی، خوانندهٔ محترم را جذب می‌کند و به دنبال خود می‌کشاند. موضوع، یک موضوع بسیار ملموس در زندگی ست و مخاطب آن، فقط زوج‌های جوان نیستند. هر کس می‌خواهد خانواده‌ای تشکیل دهد، یا تشکیل داده و ابتدای راه است، یا سال‌هاست که زندگی مشترک را شروع کرده و اکنون در فکر زندگی مشترک فرزندان است، می‌تواند مخاطب این کتاب باشد.

با مطالعهٔ دقیق کتاب به محتوای قرآنی «وَجَعَلُوا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مَّحَاجِرًا» پی برده و در می‌یابیم بر همهٔ ما تکلیف است خانه‌ها و خانواده‌هایی بسازیم که هم در تشکیل، هم در تداوم و هم در محتوا از اشکالات جدی خالی و بر شاخص‌های ارائه شده از سوی حضرت آقا منطبق باشد. اکنون پای بحث یکی از متعهدان به مبانی اسلام که چون خورشید، روشنی می‌دهد، می‌نشینیم و دیدگاه اسلام نسبت به این مسئلهٔ مهم را همچون آب خنک گوارایی می‌نوشیم.

توضیحات سبک

در تنظیم این کتاب، بیش از یکصد سخنرانی آقا به کار رفته است. اغلب این سخنرانی‌ها مربوط به جلسات خطبه‌خوانی عقد، نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، دیدار مداحان در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و جلسات با بانوان نخبه است. برای تنظیم مباحث این سخنرانی‌ها، از سبک «ساخت یک جلسهٔ یکپارچه در محضر

مقام معظم رهبری» استفاده شده که توضیحات آن در ادامه می‌آید. ساخت: برای نشر بیانات و تفکر رهبری عزیز لازم است یک کار میانی روی متون انجام شود و با چینی‌سازی خاص از بیانات ایشان، اصطلاحاً کتاب‌سازی صورت پذیرد. طبعاً کتاب‌سازی برای موضوعات مختلف بایستی از سبک‌های متناسبی بهره‌برد. سبک‌هایی مستند، بدیع، گویا، رسا، جذاب و شکیل.

یک جلسه: تعمداً این کار هیچ تیترو تنفسی ندارد تا اقتضای سبک را نشان دهد. انگار که در حال شنیدن طنین گرم صدای ولی خود هستیم؛ آن‌هم در جلسه‌ی بانشاط قرائت صیغه عقد، البته جلسه‌ای مجازی؛ جلسه‌ای مجازی و خیالی با کلماتی حقیقی.

در یک جلسه نمی‌دانیم چه معارفی و با چه ترتیبی عنوان خواهند شد. در این سبک هم با پرهیز از درج اقسام تیترو سعی در فضای جلسه بوده است. همانند یک جلسه، که از ابتدای شروع بیانات تا انتهای آن، می‌نشینیم و گوش می‌دهیم، بهترین حالت برای مطالعه این کتاب نیز آن است که وقتی شروع به مطالعه کردیم، به ضرورت، از محضر کتاب خانواده خارج نشویم و کل کتاب را به صورت پیوسته مطالعه کنیم. اگر در مطالعات بعدی، خواندن هر قسمتی از کار، شیرینی، جذابیت و رزق خاص خود را خواهد داشت.

یکپارچه: طبیعتاً برای ساخت یک جلسه واحد، از میان بیش از یکصد جلسه، لازم است مطالب با یک نظام منطقی در هم تابانده شوند. تقطیع و کنار هم گذاشتن سخنرانی‌ها حتماً در موضوعات مرتبط است و اگر توجه خواننده به تاریخ‌های میان بیانات جلب نشود، احساس یک‌پارچگی می‌کند.

در محضر: تمامی مطالب کتاب عین بیانات معظم‌له است و در موارد معدودی که بعضی کلمات به متن اضافه شده‌اند از علامت [] استفاده شده است. اگر مطلبی به جهت تکرار یا خروج از موضوع، از بین متن حذف شده باشد، با درج علامت «...» نشان داده شده است.

مصطلح «مطویات» برداشت می‌شود، منطبق با استفاده‌ای که ما از این کلمه کرده‌ایم نیست. در محضر: تمامی مطالب کتاب عین بیانات معظم‌له است و در موارد معدودی که بعضی کلمات به متن اضافه شده‌اند از علامت [] استفاده شده است. اگر مطلبی به جهت تکرار یا خروج از موضوع، از بین متن حذف شده باشد، با درج علامت «...» نشان داده شده است. در انتهای کتاب، فهرستی از مطالب کتاب با عنوان «فهرست موضوعات» آورده شده که مخاطب می‌تواند با استفاده از آن، بعد از مطالعه کل کتاب، مطلب مورد نظر خود را به راحتی پیدا کند. بهتر است هر کس با توجه به برداشت و مسائل زندگی شخصی و پیرامونی خود، در حاشیه متن کتاب، نمایه‌هایی را یادداشت کند تا در آینده به مرور مطالب و پیدا کردن موضوعات خاص کمک شود.

در پایان، چه بسیار روزهایی که سراپا مشتاق بودند تا زندگی مشترک را در محضر مولای خود شروع کنند؛ ولی به این آرزو نرسیدند. آنایی که با علم به نظر الهی مقتدای خود، مهریه را چهارده سکه و کمتر و حتی مهرالسنة مقرر کردند، این آرزو که اگر شروع با عقدخوانی آقا نیست، حداکثر هماهنگی با آهنگ کلام آقا را داشته باشند. حال، هر کس خود را از فرزندان معنوی این پدر مهربان و حکیم می‌داند، شایسته است تمام رفتارها و حالات خود را آن گونه بسازد که او می‌خواهد و با رهنمودهای ایشان، خود را در مسیر جاده عمل صالح قرار دهد. و به ذره‌ای، لحظه‌ای، خروج از میدان نظر او راضی یا حتی غافل از آن نباشد.

گفت مرا، جوی خُرد موج زد و برد و برد
برد و به دریا سپرد برد به دیدار ما

تیرماه ۱۳۹۲ مصادف با

ایام معنوی ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴